

رحمة للعالمین

ای که بر فرق تو حق بنهاده تاج سروری را
باشد از ذات شریف تو شرف پیغمبری را
ای که با خالق عظیم خویش دل بردی ز خالق
همچو تو هرگز ندارد کس ادای دلبری را
در بشر فوقیت رنگ و نسب باطل نمودی
ای به سرعت جز به تقوی کس نیابد برتری را
آفتاب رحمتی و رحمة للعالمینی
زندگی از پرتو تست اهل خشکی و تری را
صاحب امر خداوندی، خلائق بندگانت
حکم تو فرض آدم و افرشته و جن و پری را
رهبران را نقش هایت چون دلیل راه باشد
پیروی از نقش هایت شرط باشد رهبری را
پست شد در پیش پای تو بلندی های گردون
نسبتی با پایه تو نیست چرخ چنبری را
تا تو محراب حقوق بندگان بنیاد کردی
بر زمین افتاد یکسر پایه قصر قیصری را
خاکساران غیور درگهت پامال کردند
شوکت کیخسروی و سطوت اسکندری را
ظلم را از بین بردی، حق به حق داران سپردی
در جهان کردی بنا ایوان عدالت گستری را
تو اگر یاور نباشی راه حق رفتن محال است
انبیا در راه حق جویند از تو یآوری را
تاریخ روشن نمودی ظلمت از عالم زدودی
یاد گیرند از رخت روشنگران روشنگری را
ذات تو نور حق است و قدر تو حق راست آری
راست می گویند باشد قدر گوهر گوهری را
شکر لله طالعم روشن بود از صبح رویت
نیستیم محتاج از چرخ فلک نیک اختری را
از کرم «اکرام» را بپذیر اندر بندگیت
ای که بر فرق تو حق بنهاده تاج سروری را